



Apeiron/Piramon
Kimia Kamvari

January 19 – 24, 2018
Electric Room 23/50 (Dastan:Outside Projects)
Ghalamchi Dead End, Opposite Azad University,
Felestin Street North, Tehran, Iran
Website: <http://dastan.gallery/>
Instagram: @dastanoutside

پیرامن/آپیرون
کیمیا کاموری

۲۹ دی تا ۴ بهمن ۱۳۹۶
اتاق برق ۲۳/۵۰ (پروژه‌های بیرون از دستان)
تهران، خیابان فلسطین شمالی، بین بزرگمهر و انقلاب،
روبه‌روی دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه آزاد، بن‌بست فلم‌چی
وب‌سایت: <http://dastan.gallery/>
اینستاگرام: @dastaoutside

دستان نمایش کیمیا کاموری را با عنوان «پیرامن» در اتاق برق اعلام می‌کند. این نمایش در روز ۲۹ دی ۱۳۹۶ افتتاح و تا ۴ بهمن ادامه خواهد داشت. این نمایش شامل هاگ-پرینت‌ها و یک چیدمان است. هاگ-پرینت‌ها آثاری هستند که با هاگ انواعی از قارچ‌ها ساخته شده‌اند؛ هاگ‌هایی که اثری جوهرگونه بر سطح سمباده و تخته‌های بوم باقی گذاشته‌اند.

«آپیرون (apeiron)» واژه‌ای یونانی است به معنی «(آن‌چه) بدون مرز است»، «بی‌نهایت»، یا «بی‌پایان». این واژه از ترکیب پیشوند «a-» (یعنی «بدون») با «peirar» (به معنای پایان، حد، مرز) ساخته شده، و درست مشابه واژه‌ی فارسی «پیرامون» (به معنای مرز، محیط یا اطراف) است. گفته می‌شود که این واژه برای اولین بار توسط آناکسیماندروس استفاده شد. این فیلسوف یونانی که در قرن‌های پنجم و چهارم قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کرده، مفهوم انتزاعی «آپیرون» را به عنوان «شکلی آغازین از هستی» تبیین کرد. آناکسیماندروس معتقد بود که این آغاز می‌باید «در ریشه، بی‌نهایت» و قادر به خلق، «بدون هرگونه زوال» باشد؛ به طوری که در «حرکتی» ابدی، بدون شروع و پایان، در بی‌زمانی، تکرار شود.

این نمایش شامل بخشی از مجموعه‌ای است که کیمیا کاموری، از پاییز ۱۳۹۴، پس از مهاجرت به روستای کوچکی در ایالت باسک آغاز کرد. در این مجموعه، او با کنارگذاشتن موضوعات و تکنیک‌های پیشین خود، دست به تجربه‌های جدیدی زده است. او با گذر از فیگور، سعی کرده راهی برای رویارویی با فاصله‌ی بین «هنرمند» و «پیرامون او» بیابد. کیمیا کاموری از موادی که در محیط زندگی جدیدش یافته استفاده می‌کند و امکان گذر عوامل زیبایی‌شناختی این مواد را به آثارش به وجود می‌آورد. با وجود این‌که این مجموعه بخشی از ساختاری بزرگ‌تر است، «آپیرون» با انتخاب‌هایی مینیمال، خودبسنده و شامل است. به همین ترتیب، این مجموعه درآمدی بر دغدغه‌های فلسفی و زیبایی‌شناختی این هنرمند محسوب می‌شود.

کیمیا کاموری (م. ۱۳۶۵، کلن، آلمان) هنرمند تجسمی ایرانی ساکن ایالت باسک (اسپانیا) است. او فارغ‌التحصیل رشته‌ی نقاشی از دانشکده‌ی هنر و معماری (دانشگاه آزاد، تهران) است. آثار او تا کنون در نمایشگاه‌های متعددی در ایران و اروپا به نمایش درآمده است. او به تازگی یک دوره‌ی رزیدنسی هنری در مرکز بین‌المللی فرهنگ معاصر تاباکالرا سپری کرد که در آن استفاده از مواد ارگانیک را در آثارش تجربه کرد. این تجربه‌ها به مجموعه‌ی «تغییر طبیعت» منجر شد که نقش زیادی در شکل‌گیری مجموعه‌ی «پیرامن» او داشت.

Dastan is pleased to announce "Apeiron", a presentation by Kimia Kamvari at Electric Room. The show will be open to public view from January 19 to 24, 2018. The presentation consists of spore-prints and an installation. The spore-prints are made using the spores of several fungi, producing ink-like effects on sand-papers and canvas boards.

"Apeiron" is a Greek word meaning "(that which is) unlimited", "boundless", "infinite", or "indefinite". It is made up of "a-" (meaning "without") and "peirar" (meaning "end", "limit", "boundary"), and is akin to the Persian word "piramon", meaning boundary, circumference, or surrounding. The earliest use of the word 'apeiron' has been attributed to Anaximander. The Greek philosopher, who lived in the 5th- and 4th-century BC, defined the abstract concept 'apeiron' as 'an origin of the universe'. The origin, as Anaximander believed, must be 'unlimited in its source' and could create 'without experiencing decay' —in an ever-repeating 'movement', with no start and no stop, in timelessness.

The presentation includes a part of a series that Kimia started to develop after her move to a small village in Basque in autumn 2015. In this series, the artist is seen to embark on new experiences. Putting her previous practices behind, this time, she transcends her approaches to figuration, and tries to bring up a way to face the distance between 'the artist' and her 'surrounding'. She uses materials that belong to her new habitat, and creates the possibility to carry their aesthetics to the works. Although the series is a part of a wider corpus, making minimal decisions, "Apeiron" works as a whole, and as such, helps introduce the main philosophical and aesthetic concerns of the artist.

Kimia Kamvari (b. 1986, Cologne, Germany) is an Iranian visual artist based in Basque country. She is a graduate of Painting from Faculty of Art and Architecture, Azad University, Tehran. Her work has been featured in several group exhibitions in Iran and Europe. Most recently, she was a resident at Tabakalera International Center for Contemporary Culture, where she started her practice of using organic matter, leading to "Nature Change" series, which later contributed to the forming of her "Apeiron" series.

Thank You Ofogh Art Department Store for Sponsoring
Electric Room's Weekly Makeover the Night Before Every
Show!



با تشکر از فروشگاه افق برای حمایت از آماده‌سازی هفتگی دیوارهای
اتاق برق!

«آپایرون/پیرامون» مجموعه‌ی است ادامه‌دار از هاگ-پرنت‌هایی که در طول دو پاییز در ایالت باسک انجام شده. این مجموعه بخشی از مجموعه‌ی بزرگ‌تری است که از دوسال پیش شروع شده است. سوژه‌ی اصلی طبیعت است.

هاگ/اسپورا واحدی بارور و سازگار برای پراکندگی است که می‌تواند برای مدت مدیدی در حالت خفتگی بماند تا رشد کند و به قارچ تبدیل شود. قارچ‌هایی که ما به شکل قارچ می‌شناسیم، میوه‌ی بدنه‌ای شبکه‌ایست که رسالت تکثیر دارد. زیر کلاهک قارچ بلیون‌ها ذره منتظرند که به بلوغ برسند و پرتاب شوند.

رویدادها مثل زنجیر پشت سر هم قرار می‌گیرند و عامل جابه‌جایی و حرکت می‌شوند. در جایی و زمانی به وجود می‌آییم، و از آن پس بارها جابه‌جا می‌شویم تا در مکانی رشد کنیم و سپس بمیریم. مرگ لحظه‌ی خروج است و پراکندگی، احساس سبکی و بی‌وزنی.

مسافتی چند باید طی شود؛ از یک نقطه دور می‌شوی و به نقطه‌ای دیگر نزدیک. بر نقطه‌ای در زمین فرود می‌آید، نقطه‌ای که در آنجا می‌ماند و همه چیز از آنجا شروع می‌شود. پخش می‌شویم و بین خود و هر آنچه که خارج از خود است رشته‌های ارتباطی می‌سازیم. حرکت از آنجا شروع می‌شود و به ارتباط می‌انجامد. مثل حرکت کردن پیرامون نقطه، که به دایره منتهی می‌شود؛ نقطه‌ی شروع و پایان روی هم می‌افتد. دایره همان نقطه است که خالی می‌شود و دوباره پر می‌شود. با حرکت زمان، مکان هویت می‌گیرد و به فضا تبدیل می‌شود. پیرامون، دور تا دوری است که ما را در بر گرفته.

مرزهای مکان هرچه بیش‌تر برداشته شود، تا آن جا که دیگر مرزی باقی نماند، فضا نامحدود می‌شود. تعلق داشتن منحصراً سوزن شدن به یک نقطه‌ی واحد خاستگاه نیست؛ بسته به یک هویت چندملیتی هم نیست. در درون چیزی است وسیع‌تر و عمیق‌تر. نگاه ما باز است به پیرامون و متمرکز روی تولید فرمی که بی‌نهایت را قابل درک کند. زیبایی‌شناسی با نوعی بیداری حسی نسبت به دنیا و تجسم زیباشناسانه، مأموریت در آغوش گرفتن کل را بر عهده می‌گیرد.

هر پنجره‌ی خانه، منظره‌ای قاب کرده است. تصویر قاب پنجره، مثل صفحه‌های تقویم، هر روز عوض می‌شود. اصلاً مثل زندگی کردن در تقویم می‌ماند. اول صبح، اغلب ابر و آفتاب باهم بازی می‌کنند. هوا مرطوب است و بارندگی زیاد؛ برای همین بیش‌تر خانه‌ها در این محدوده‌ی باغچه دارند. باغچه، زمین را به خانه، و ما را به چرخه‌ی طبیعی وصل می‌کند. ماده‌های طبیعی همان طور که وارد فضای خانه و ما می‌شوند، ماده‌های اصلی کار من هم می‌شوند. پیاده‌روی‌های هر روزه برای پیدا کردن متریال جدید متودولوژی این کار شد. تجربه‌ی رویارویی با محیط جدید، رویارویی با ماده‌های جدید بود، و از این جنبه تجربه‌ای مادی و لامسه‌ای حاصل از تماس و اصطکاک.

زمانی که منظره از غرور می‌افتد و فاصله‌اش را با تو کم می‌کند، زمانی که قاب تصویر فرو می‌افتد و تصویر ساکت و ساکن در هم می‌شکند، زمانی است که انقلاب طبیعت آغاز می‌گردد و سلسله اتفاق‌هایی زنجیروار که در ادامه‌گی خود امتداد می‌یابند. تولدها، مرگ‌ها و تجزیه‌های بی‌وقفه، در پس خود، ماده را به جا می‌گذارند که در خاطره‌اش منظره را یادآور می‌شود. گذار از ایده‌آلیسم به واقعیت، از انتزاع به حضور محض، از فضا و زمان، به حقیقتی که به عنوان ماده ظاهر می‌شود.

تصویر با فاصله اتفاق می‌افتد و تجربه از نزدیک. چگونه می‌توان تصویری ساخت که تجربه‌ای از دنیا را ثبت کند. در جایگاه هنرمند، نظاره‌گر پیرامونمان هستیم و سعی بر فهم دنیای ناپایداری داریم که احاطه‌مان کرده و بر اساس آن تولید فرمی که بازتاب آن شناخت باشد.

در عکاسی، سطح حساس درون دوربین است و دوربین به بدن ما چسبیده و با آن حرکت می‌کند. در نقاشی، سطح حساس درون بدن است و بوم نقاشی به ما نگاه می‌کند و فاصله‌ی بین ما و نقاشی زمان است. سطح حساس زمین، خاک است و میدان تجلی رویدادها و رویش‌ها در طبیعت. جایی که نیروهای زیر زمین، روی زمین و بیرون زمین باهم بر خورد می‌کنند و هم سطح می‌شوند. خاک، نقاشی بی‌قاب طبیعت است. سطحی که ردپاها را ثبت می‌کند و بازمانده‌ی رویدادها را می‌پذیرد. جاذبه‌ی زمین، همان طور که اجرام را به سمت خود می‌کشد در حالی که زیر قدم‌هایمان حرکت می‌کند نگاه ما را نیز به خود جلب می‌کند.

طبیعت سیستمی از مرحله‌هاست که مثل زنجیر پشت سر هم می‌آیند. از هر مرحله، مرحله‌ای دیگر زاده/خارج می‌شود. حرکتی از خود بیرون‌شونده و ادامه‌دار. تبدیل‌ها و تجزیه‌های بی‌وقفه و پشت‌سرهم: تولد، رشد، مرگ، تجزیه و تقسیم و باقی‌مانده؛ ماده. کثرتی در کلیتی واحد که آن را به اسم طبیعت می‌شناسیم. میدان تعامل تمام ارگانیسم‌ها. فصل‌ها از پشت هم می‌گذرند و دوباره اتفاق می‌افتند. ماه پر می‌شود و خالی می‌شود. حرکتی که نمی‌ایستد. طبیعت در برابر ساختگی به عنوان حقیقت تلقی می‌شود. کلیت یگانه‌ای که در بطن این تسلسل و تکرار حاضر است، حرکتی است بی‌وقفه، نامحدود و بدون مرز.

وقتی وارد فضای انبوه درخت‌ها می‌شویم، فضا فشرده می‌شود. فشرده‌گی زندگی‌ای که بیرون از ما جریان دارد، آدم را در بر می‌گیرد. حواس تیز می‌شوند و آماده برای کشف‌کردن. قارچ مثل منظره‌ای که از پشت شاخه‌ها در یک لحظه نمایان می‌شود یا آهویی که از گوشه‌ی چشم می‌دود، یا پرنده‌ای که از شاخه می‌پرد، از زیر شاخ و برگ، افتاده بر زمین، در فصل پاییز پیدا می‌شود. خودش را استتار می‌کند، برای همین است که هیجان آدم را برای یافتنش بر می‌انگیزد. همان‌طور که از بلیون‌ها هاگ پراکنده، یک هاگ شانس تبدیل‌شدن به قارچ را دارد، شانس از دیدن تا کشف راز هویتش توسط ما، احتمال این‌که کشنده باشد یا خوشمزه یا روان‌گردان وجود دارد.

طبیعت در برابر ساختگی می‌آید. سؤال اینجا بود که هنر که ساختگی است چگونه می‌تواند کیفیتی طبیعی/حقیقی را نشان دهد؟ چگونه می‌توانستم تصویری از ذهن خلق کنم که ساختگی نباشد و یا چگونه می‌توانم تکرارش کنم، در حالی که بازنمایی صرف نباشد؟ به دنبال راهی بودم که فاعلیت خود را کم کنم و راه برای اینکه طبیعت خودش را نشان دهد باز شود. هاگ-پرینت‌ها مرا شگفت‌زده کردند. یک فرم و تصویر از اصطکاک بین سوژه و سطح. تصویری انتزاعی که کل را در بر می‌گیرد. تجمع بلیون‌ها ذره که بارور زندگی هستند.

وسیع‌ترین اورگانیسم جهان یک قارچ است، که بدنه‌ی آن به وسعت ۹۶۵ هکتار در بلوماونتن اورگان آمریکا رشد کرده. می‌توان گفت از میان تمام گونه‌های زنده در زمین چیزی مرموزتر و اساسی‌تر از قارچ‌سانان برای حیات ما وجود ندارد. وحشی و مرموز به‌وجود می‌آید و مخفی؛ بیش‌تر زندگی‌اش را زیر زمین سپری می‌کند. تا به حال بیش از ۵ میلیون گونه قارچ شناسایی شده است. زندگی مخفی و عجیبشان، تخیل آدم را بر می‌انگیزد. ارگانیسم پیچیده‌ای که نه گیاه است و نه جانور. بیش از یک و نیم بلیون سال پیش، در سیر تکاملی، مسیر خود را از دیگر اورگانیسم‌ها جدا کرده‌اند. آن‌ها مثل ما و جانوران، هتروتروف (دیگرخوار) هستند. برای همین در نزدیکی ریشه‌ی گیاهان یا روی متریال مرده رشد می‌کنند. آن‌ها با درصد زیادی از گیاهان ارتباط بده‌بستانی دارند. بدنه‌ی قارچ، میسلیوم، که متشکل از نخینه‌های میکروسکوپی است و ساختار شبکه‌ای دارد، می‌تواند تا فرسنگ‌ها زیر زمین به دنبال غذا رشد کند و آب و نیتروژن را از خاک‌های غنی‌تر و مرطوب‌تر بگیرد و به ریشه‌ی گیاهان منتقل کند و در عوض شکر بگیرد. هویت، معمای اول این اورگانیسم است. تمام حس‌های آدم را درگیر می‌کند. رنگ، بو و بافت. کلاهک قارچ را کنده و روی کاغذی بگذارید و آن را در طول شب رها کنید. بلیون‌ها هاگ از قالب پره‌های کلاهک پراکنده می‌شوند و بر کاغذ ثبت می‌شوند. مثل اثر انگشت: شکل یگانه‌ای که تکرار نمی‌شود. قارچ‌ها فرم می‌سازند، و هر جریانی از یک جا شروع می‌شود و پخش می‌شود.

یک ماه بعد از رسیدنم به باسک، یک روز با کسی که در تشخیص چندین گونه قارچ خوراکی ماهر بود به دنبال قارچ رفتیم. مسیری طولانی راه رفتیم تا به محدوده‌ی درخت‌های راش رسیدیم. به دنبال قارچ پراکنده شدیم و هر کس در تنهایی خودش دنبال شانس خود رفت. یک سبد قارچ چیدیم. در خانه دسته‌دسته قارچ‌ها را سرخ می‌کردیم و هر کدام را مزه می‌کردیم. غذای آن روز ما محصول عزم و شانس ما بود. قارچ‌هایی که در آخر چیده بودیم بعد از چند ساعت کوچک می‌شدند و مایع سیاهی پس می‌دادند. داشتند از بین می‌رفتند. آن‌ها مدت‌دار بودند و زمانشان داشت تمام می‌شد. برای همین باید ثبت می‌شدند. شروع به کشیدنشان کردم. آن‌ها تا آخر به مایعی سیاه تبدیل شدند و فقط ساقه‌شان از حجم‌شان باقی ماند.

قارچ خودش را هضم کرده بود و تبدیل شده بود به جوهری سیاه. نقاشی‌ام بازنمایی لحظه‌ای از زمان بود که کش داده شده بود و در ظرف خود قارچ بود که به تصویر تبدیل شده بود. هیچ بازنمایی‌ای در کار نبود. چیزی که ثبت شده بود مجموع لحظه‌ها پشت‌سرهم بودند و ماده گواه اتفاقی که افتاده بود. تصویر، زمان را هم ثبت کرده بود.

Apeiron/Piramon

Kimia Kamvari

"Apeiron" is an ongoing series involving spore-print, accomplished during two autumns in Basque Country. This presentation is part of a bigger project that set off two years ago. The main subject is nature.

Spore is an adaptive and reproductive unit for dispersal that can lay dormant for a period of time before development into a fungus. Fungi, which we know as mushrooms, are fruiting bodies responsible for reproduction. Underneath the fungus' cap there are millions of spores waiting to be spread out.

Events come along as in a chain, causing transformation and movement. We are born in a specific time and place, since then, we wander around until we settle in a certain place and grow, then die. Death is the moment of exit and dispersal, the sense of lightness and weightlessness.

A distance should be passed; you distance from a point and reach another. It lands on a certain point on the ground, a point in which everything starts from. We are dispersed and try to build up connections between ourselves and those which are outside. The movement begins from isolation to connection. Like moving around in a circle, around a point; the beginning and the termination overlap. The circle is the point which is laid bare and resettled all the time. Places are identified as spaces through the passage of time. Apeiron is the space surrounding us.

The more the limits of a place are omitted, the more the space's limitlessness can be perceived. Sense of belonging is not necessary being pinned to a certain point of beginning, and it does not rely on a multi-national identity as well. There is something deeper and greater within. Our perception is open to our surroundings and fixated upon producing a form that appropriates eternity as comprehensible. Aesthetics with a kind of emotional enlightenment towards the world and aesthetic perception takes the task of explaining the whole.

Each house's window is a framed landscape. The image in the window frame, like the pages of a calendar changes every day. It's like living in a calendar. Most often, sun and clouds are entangled to one another early mornings. It's humid and showery, that's why most houses in the area have gardens. The garden connects the land to the house thus connecting us to the cycle of nature. Natural elements, as they enter our house and our bodies, turn into the most important material of my work; taking routine walks to find new material turned into the methodology of my work. The experience of encountering a new place, new elements, a materialistic and somatosensory experience caused by friction and touch.

A time when the landscape falls down and gets closer to you, when the frame of the work falls short and the quiet dormant image shatters, is the time in which the nature's revolution has begun and a chain of events is ongoing what follows; births, deaths, continuous decompositions, leave elements which resonate the traces of the landscape; the transition from idealism to realism, from abstraction to absolute presence, from space and time, to a truth which is formed in material.

The image happens with a distance but the event is in touch. How can we make an image that documents an experience of the world? As an artist, we are observes of our world trying to understand the unstable world surrounding us, trying to recreate a form reflecting this observation. In photography, the sensor is within the camera, and the camera is attached to our body, moving around with it. In painting, the sensor is within our body and the canvas is looking at us and time is the distance between us and the canvas.

The sensor of the earth is soil, the ground, for anything that happens and regenerations in nature — where the underground forces of the earth collide and coerce. Soil is the frameless painting of nature; a plate that archives footprints and accepts the remains of the events. Gravity, pulling everything towards itself walking underneath our steps, draws our glances as well.

Nature is a system of levels following one another. Each level produces another. A divergent and unceasing act. Uninterrupted transformations and decompositions following one after the other: birth, growth, death, decomposition, division and remains —material. Pluralism within a unique whole, which we know as nature; the ground for the interaction of all organisms. Seasons follow one another and happen again. Now it is full moon, then it is half. Nothing stays. Nature encountering "the artificial" is considered the truth. A unique whole which is laid deep within this repetition and recurrence, is a nonstop movement; seamless, unending.

When we enter the land of trees, space thickens. The thickness of the life going on in the outside overcomes us. Our senses are intrigued and ready for exploration. A mushroom is like a view hidden behind the branches of a tree or a gazelle showing up only at a glance, or a bird flying off of a tree, is found underneath the fallen leaves and branches of a tree, as if hiding itself, that's why one gets excited searching for it. Within a million spores only one gets the chance of becoming a fungi, there exists a chance of its being toxic, delicious, or psychedelic, for us to discover.

Nature comes across the artificial. The question was how can art, itself an artifice, display a true/natural quality? How could I create an image that was not artificial and how could I repeat it without coming up with a representation. I was trying to subtract my agency so that nature can express itself. The spores were breathtaking. An image formed by the friction of the subject on the plate. An abstract image that contains the whole. The gathering of a million particles conceived with life.

The largest organism on earth is a fungus that occupies 2,384 acres of soil in Blue Mountains (Oregon). One can say nothing is more curious and essential for human's life than fungi. They are born wild and weird and undercover, living most of their life underground. There have been 5 million types of fungi discovered so far. Their cryptic undercover life inspires our imagination. A complicated organism which is neither a flora nor fauna. More than one billion and a half years ago they diverged from other forms of organisms. Similar to animals and humans, they are heterotrophs, growing on dead material or roots of plants for this reason. They interact with a great amount of other plants. The body of a fungus, mycelium, a network consisting of threadlike microscopic filaments can move as deep as a thousand miles down the earth in search of food, extracting water and nitrogen from the wet rich soils, transporting them to other plants and extricating glucose in return. Identity is the first piece of the puzzle in this organism. It involves all the senses, color, smell, texture. Cut off the cap of the fungus and leave it for a night on a piece of paper. Millions of spores are released from the cap printed on the medium, unique like a finger print. The fungi make forms and each event begins at some point and spreads out.

A month after I arrived in Basque, we went on a mushroom hunt expedition with someone who knew a bunch of edible ones. We walked a long distance and reached to an area full of beech trees. We dispersed to find mushrooms —each of us searching for its luck somewhere. We picked a basket full of mushrooms. When we got back, we cooked and tasted them one by one. Our food was the result of our hard work and chance. The mushrooms that were picked later, shrunk after a while, leaving out a black ink-like fluid. They had an 'expiry date' for being consumed and were dissolving. They had to be kept. I started 'drawing' them. In the end, they turned into a black liquid, the stem being the only leftover.

The mushroom had digested itself turning into a black color. My painting was an instantaneous representation of time, lengthened and stretched. In fact, it was the mushroom which turned into an image. There was no representation. What was printed on the paper was a sequence of moments following one another, with the substance as the proof of what had happened. The image kept time as well.